

تغییر مفهوم و ماهیت مکان و فضا در عصر جهانی شدن: از دیدگاه جغرافیا

دکتر رحیم سرور

(عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد
شهر ری)

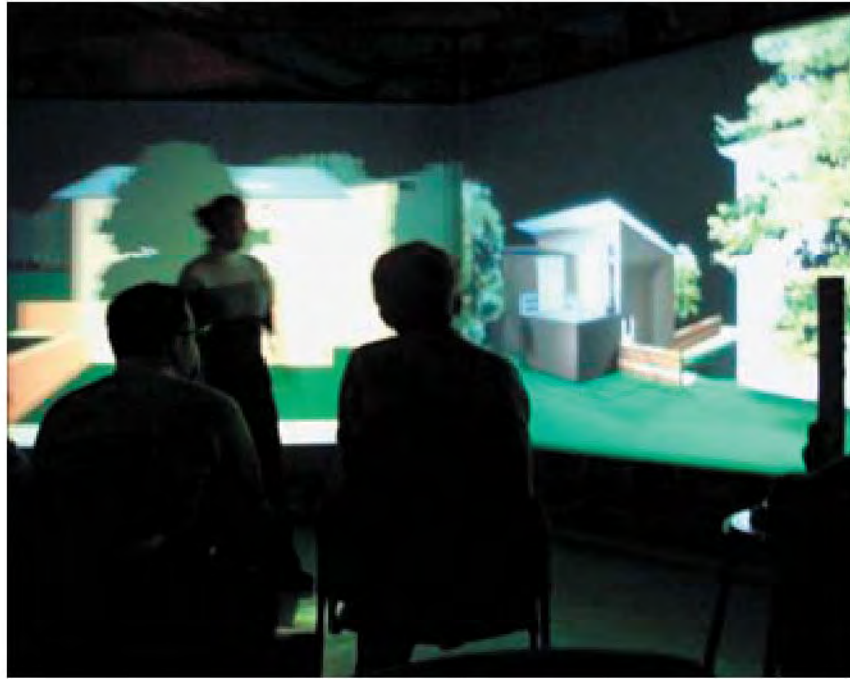
جهانی شدن

از نظر رابرتسون، جهان از پنج مرحله عمده عبور کرده تا به صورت یک کل یکپارچه امروزی در آید. مرحله نخست، از نیمه قرن پانزدهم میلادی تا نیمه قرن هجدهم می باشد که مانند دوران شکل گیری یک جنین در شکم مادر، شرایط اولیه شکل گیری امر فراملی پدید آمد. مرحله دوم تا پایان دهه هفتاد در قرن هجدهم است که رفته رفته بشریت و انسانیت بعنوان یک پایه و یک آرمان وارد گفتمان جهانی اندیشی شد و سازمان ها و قراردادهایی نیز برای آغاز آن منعقد گشت. مرحله سوم نیز تا سال ۱۹۵۲ است که جامعه ملی شکل کامل به خود می گیرد اما در کنار آن، مفاهیم جهانی، اشکال جدید ارتباطات، جامعه ملل و تقویم جهانی نیز پدیدار می شوند. در مرحله چهارم، رقابت برای حاکمیت جهانی - فاصله سالهای - ۱۹۲۵-۶۵ وجود دارد و در مرحله پنجم که از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰ است، دوران عدم قطعیت و بروز بحرانهایی است که ماهیت جهان را تغییر می دهد. شکل گیری تدریجی ارزش ها و آگاهی جهانی، تکیه بر ارزش های فرامادی و افزایش چشم گیر نهضت ها و سازمانهای جهان شمول و در نهایت، پایان جنگ سرد، سرد، شرایط را برای شکل گیری امر جهانی فراهم ساخت.

اینک، بشر در شرایط نوینی قرار گرفته است که هویت، نیازها و زندگی اجتماعی او از چارچوب مرزهای ملی فراتر رفته و ماهیتی جهانی پیدا

چکیده:

دانش و فناوری های پیشرفته و روابط نوین و پیچیده بین المللی چهره زندگی و تمدن بشری را هر روز دستخوش تغییرات جدیدی می سازد و رخداد پدیده های نوظهور علمی، فرهنگی و تحولات مختلف اجتماعی و اقتصادی همواره هدفها و مسئولیتهای جدیدی را فراروی دست اندکاران آموزش کشور قرار داده است. اگر چه تا چندی پیش سرعت تحولات و دگرگونیهای مختلف در جهان کند به نظر می رسید و کارگزاران آموزش در ایران خود را چندان ملزم به شناخت آینده نمی دیدند لکن امروزه به جرأت می توان ادعا نمود که استحکام بنیانهای اقتصادی، اجتماعی و گسترش علم و فرهنگ و تمدن در جامعه ایرانی منوط به بازنگری کامل در اهداف و مفاهیم و برنامه های علوم مختلف است. این مقاله با هدف اشاره ای گذرا به ضرورت بازاندیشی در تعریف و الگوهای آموزش علم جغرافیا در عصر جهانی شدن به تحولات رویداده و پیش رو در تغییر مفهوم و ماهیت مکان و فضا پرداخته و از این دیدگاه به بررسی نقش علم جغرافیا در خلق تفاهم، همدلی و ش ناسائی و حل مسائل و معضلات بین المللی می پردازد.



- کرده است. این وضعیت جدید، جهانی شدن نام دارد که در آن یک فرهنگ جهانی نیز به تدریج در حال شکل گیری است (سلیمی حسین، ۱۳۸۰).
- جهانی شدن در بردارنده یک مفهوم عام و یک مفهوم خاص است مفهوم خاص آن که همان جهانی شدن اقتصاد است به معنی کاهش مقررات و محدودیتها در روابط اقتصادی کشورها و فراهم شدن عرصه برای رقابت و تجارت آزاد در سطح بین المللی می باشد (فصیحی، ۱۳۸۱).
- در مفهوم عام جهانی شدن از سویی معادل با واژه بین المللی شدن به کار می رود که عبارت است از افزایش تعامل ها و وابستگی های بین مردم کشورهای مختلف و از سوی دیگر با جهان شمولی یکسان تلقی می گردد (Scholte, ۲۰۰۰, P۴۴)
- گسترش اهمیت شرکتهای چند ملیتی نسبت به دولتها.
- گسترش ارتباطات ماهواره ای و شبکه های کامپیوتری و به دنبال آن گسترش داد و ستدهای فرهنگی.
- گسترش شبکه حمل و نقل بین المللی و کاهش هزینه های مربوط به این مسأله (عیوضی ۱۳۸۰ ص ۱۲۷).
- تقسیم بین المللی کار در سطح جهان که موجب نزدیکی و وابستگی مردم جهان به یکدیگر و از بین رفتن فاصله ها شده است.
- امروزه جهانی شدن شامل تراکم دنیا بعنوان یک کل و از طرف دیگر افزایش سریع در اجماع و پایه گذاری فرهنگ جهانی تلقی می شود که این امر با نوعی توازن و یکپارچگی انتظارات همراه است (پل سوئیزی ۲۰۰۱ ص ۲۸-۰۸)
- به عقده رابرتسون (۸.P.۲۹۹۱):
- "جهانی شدن مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم تشدید آگاهی جهانی اشاره دارد فرایندی که وابستگی متقابل حقیقتاً جهانی و آگاهی از جهان بعنوان یک کلیت یکپارچه را در قرن بیست و یکم به دنبال داشته و دارد."
- شولته هم بر تعریف جهانی شدن بعنوان محور قلمرو گرائی تاکید داشته که به مفهوم تسهیل روابط بین مردم جهان به دلیل کم رنگ شدن تاثیر مرزهای سرزمینی است.
- اصولاً "پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد قالب فکری جهانی شدن با پنج تغییر در نگرش کلاسیک به جهانی شدن همراه بوده است:

از جمله رؤوس اصلی موضوعات مورد مطالعه مرتبط با پدیده جهانی شدن را می توان در زمینه های ذیل مورد بررسی قرار داد:

- ظهور فرایندی که به موجب آن افراد و گروههای مختلف توانائی نفوذ و دسترسی در دولت را پیدا کرده یا می کنند (توحید فام، ۱۳۸۰ ص ۶۱).
- نفوذ پذیر ساختن و تضعیف تدریجی نقش مرزها از عامل حائل و جدا کننده به عامل وصل و تقویت پیوندها و آشنائی و همجواری ملتها و فرهنگها.
- دگرگونی در موقعیت دولت ملی و عناصر متشکله آن شامل ملیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت (قوام ۱۳۸۰ ص ۶۸۱).
- منوط شدن دفاع موثر به همکاری بخش خصوصی.
- وارد شدن فضای الکترونیکی-سایبرنیتیکی به میدان نبرد و کارزار (جمیز آدامز ۱۳۸۰ ص ۷۱۱).
- فروپاشی سازو کارهای هویت ساز کلان در قالب دولت ملی.
- سرزمین زدایی و تغییر ماهیت مکان و فضا (قوام ۱۳۸۱ ص ۱۲).
- کاهش فزاینده اهمیت مرزهای ملی و روند فزاینده وابستگی ها و ارتباطات متقابل.

مکان یا سرزمین و نقش هویت بخشی آن:

"مکان" کانون علم جغرافیا و "بوم" واژه ای است کهن در زبان فارسی که از یک سو با مفهوم میهن برابر است و از سوی دیگر با مفهوم اروپائی Territory یا "سرزمین" نزدیکی پیدا می کند. انسانها ریشه خود را در سرزمین ویژه ای جستجو می کنند و خود را متعلق به مکانی می دانند که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تامین گردد.

"سرزمین بخشی از جلوه گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت برابری پیدا می کند". این مفهوم در بر گیرنده فیزیکی و پشتیبانی دهنده بدنه های سیاسی است که یک ساختار حکومتی بخود

می گیرد. این مفهوم پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می کند که در حکومتی ملی یا در بخشی از آن- تا حد یک مکان کوچک- که از گونه ای اقتدار برخوردار است قوام می گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹).

سرزمین میراث دار یک اجتماع از نظر بنای روانی- تاریخی و دارای یک بعد مادی و یک بعد فرهنگی است، آگاهی نسبت به احساس تعلق به یک سرزمین در میان هر جامعه ای سابقه دارد در واقع سرزمین قلمرو اجتماعی شده ای است که در ارتباط با شیوه سازماندهی اجتماعی - سیاسی و روش هنجارمندی اجتماعی خود تعریف می شود. سرزمین و مکان و هویت آنها هر جامعه ای به تناسب شرایط اقتصادی- اجتماعی و تاریخی خود شکل می بخشد، دستخوش تغییر و دگرگونی می کند.

هویت به معنی "چه کسی بودن" است و از نیاز طبیعی انسان بر می آید. بر آورد شدن این نیاز «خود آگاهی» فردی را در انسان سبب می شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خود آگاهی جمعی یا «هویت» قومی، تیره ای یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می کند. در علم جغرافیا «سرزمین و مکان» مشترک عامل مهم هویت بخش بشمار می رود ولی آنچه که مسلم است هویت پدیده ای مرکب است که علاوه بر عامل مکان تحت تاثیر زبان، مذهب، تاریخ، نژاد، فرهنگ و ... نیز قرار دارد.

نهادهای اجتماعی- اقتصادی در هر سرزمین زائیده گونه ویژه ای از تبادل اندیشه و آداب و رسوم و ارزش های آن سرزمین یا مکان است که از فضای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ویژه آن محیط سرچشمه گرفته و بر همان فضا حکومت می کند و در همان حال ضامن یکپارچگی همان فضای جغرافیایی- انسانی است و به عنوان شناسنامه یا «هویت» آن فضا شناخته می شود (مجتهد زاده،

(۱۳۷۸).

می‌شوید اما نگاه از بیرون به یک مکان همانند نگاه مسافری است که از فاصله ای دور به شهر می‌نگرد. پیتربرگ به سه سطح از احساس تعلق و درونی بودن اشاره می‌کند.

رفتاری: درونی بودن رفتاری به حضور فیزیکی در یک مکان مربوط می‌شود.

عاطفی: درونی بودن عاطفی متضمن مشارکت عاطفی و احساس تعلق نسبت به آن مکان است.

شناختی: درونی بودن وجودی - شناختی به تعهد ناخودآگاهی و کامل یک فرد به مکان مربوط

هویت ملی هر ملت در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی آن ملت است، برای هر فرد و ملتی پیوند و آگاهی عمیقی نسبت به مکانی که در آن تولد یافته، رشد کرده یا هم اکنون در حال زندگی و تردد است وجود دارد این پیوند منبع اساسی هویت و امنیت فردی و فرهنگی است (مجتهد زاده ۱۳۷۸). به نظر گابریل مارسل «یک فرد جدا از مکان خود نیست و او همان مکان است».



می‌شود.

بر عکس، در نگاه از بیرون به مکانهای مختلف، مکانها در بهترین حالت زمینه‌های فعالیتهای بدون احساسند و تنها به وسیله صفات مصنوعی شان قابل تفکیکند (افروغ ۱۳۷۷).

علاوه بر هویت خاص مکانها هویتی که شخصی یا گروهی خاص، چه از درون و چه از بیرون با آن دارد نیز با اهمیت است داخل یک مکان بودن به معنای به آن تعلق داشتن است. شما از درون محاط در مکان بوده و جزئی از آن محسوب

رهایی یافته و در فضایی بسیار فراخ گسترش پیدا می‌کند. سرزمین زدایی توسط تامپسون به محل زدایی و توسط گیدنز به "جلبجایی" تعبیر شده است. البته هر چند این واژه‌ها اندکی بار معنایی متفاوت دارند اما در اصل معطوف به متحول شدن رابطه میان مکان با فرهنگ و هویت هستند یعنی همان تحولی که پیامد مستقیم فراینده جهانی شدن می باشد.

جامعه‌شناسان بر این نکته تاکید دارند که مکان، محل و سرزمین برای مردم بسیار اهمیت دارد چرا که آنها از توانایی هویت‌سازی بسیار بالایی برخوردارند به بیان دیگر مکان و فضا از آن رو برای افراد و گروه‌های مختلف مهم هستند که عناصر و اجزاء اصلی هویت را تأمین می‌کند. هر فرد هنگامی خود را دارای هویت می‌داند که از تمایز، پایداری و در جمع بودن خود اطمینان حاصل کند. مکان و فضا مهمترین عواملی هستند که نیازهای هویتی انسان را از حیث تعلق داشتن به سرزمین و ملت - با سه عملکرد اصلی بشرح ذیل - تأمین می‌کنند:

- مکان و سرزمین بالقوه حس متمایز بودن از دیگران - بواسطه ایجاد مرز و عامل جدائی - بصورت بستری بسیار مناسب برای هویت‌سازی در می‌آید.
- مکان و سرزمین با تقویت مرزهای طبیعی، اجتماعی و فرهنگی هویت‌سازی را آسان تر می‌کند در جوامع سنتی این مرزها کم و بیش بر هم منطبق بودند و همواره یکدیگر را تقویت می‌کردند.
- اصولاً "انسان هنگامی احساس تداوم و پایداری می‌کند که در زندگی خود مرجع‌هایی ثابت و پایدار داشته باشد. مکان و سرزمین از جمله بهترین تأمین‌کننده‌های این گونه مرجع‌ها و دست‌آویزها هستند.
- مکان و سرزمین به واسطه محدود کردن روابط اجتماعی در قلمروهای مشخص مرزپذیر احساس تعلق به گروه را پدیدآورده و تقویت می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۰).

انسان ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جستجو می‌کند و مکانی پیدا می‌کند که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تأمین گردد. مکانی که گوشه‌ای از آن را به عبادت خداوند اختصاص دهد، گوشه‌ای را برای زندگی روزمره انتخاب کند و جایی را جهت خاک سپاری بستگانش تعیین کند.

نتیجه می‌گیریم که هیچ فردی مجزا و منفک از مکان خود نمی‌باشد. وابستگی به مکان علایقی را در انسان بوجود می‌آورد و دوری از آن دل‌تنگی و افسردگی و پاره‌ای امراض را سبب می‌شود (شکوئی ۱۳۷۵).



سرزمین زدائی یا تغییر ماهیت (زمینه‌ها، علل و نگاهی تطبیقی)

امروزه تحت تأثیر عامل جهانی شدن مکان و سرزمین مفهوم و نقش هویت بخشی خود را تا حدود زیادی از دست داده و یا خواهد داد در چنین شرایطی لازم است بینش و رویکرد نوینی را در زمینه مفاهیم اساسی علم جغرافیا در پیش بگیریم. فشرده شدن زمان و مکان و خلق فضای مجازی زمینه شرایطی را فراهم ساخته که از آن می‌توان تحت عنوان سرزمین زدائی یاد کرد. سرزمین زدائی در عصر جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که بواسطه پیشرفت شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی زمینه‌نغییر، تضعیف و تحول رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی با مکان و سرزمین معین را پیش می‌آورد و از این رهگذر امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان

انواعی از امکانات و موقعیت های جدید هویت سازی است که هر فردی یا حتی هر کشوری و ملتی کم و بیش می تواند با بهره گیری از آنها خویشتن را بازسازی کند. بنابراین از آنجا که هویت ها به اعتبار مؤلفه های جغرافیایی اصولاً قابل متداخل و قابل مذاکره اند و نیز روند عمومی که بسوی سیالیت و تکثیر گرایی در سطح جهانی است لذا هویت یابی منطقه ای - بین المللی از جمله یکی از راههایی بشمار می رود که با شناخت قابلیتها و امکانات و وجوه اشتراک زمینه تقویت و استفاده از کلیه امکانات فراسرزمینی را در عرصه ای از تعامل فراهم می نماید.

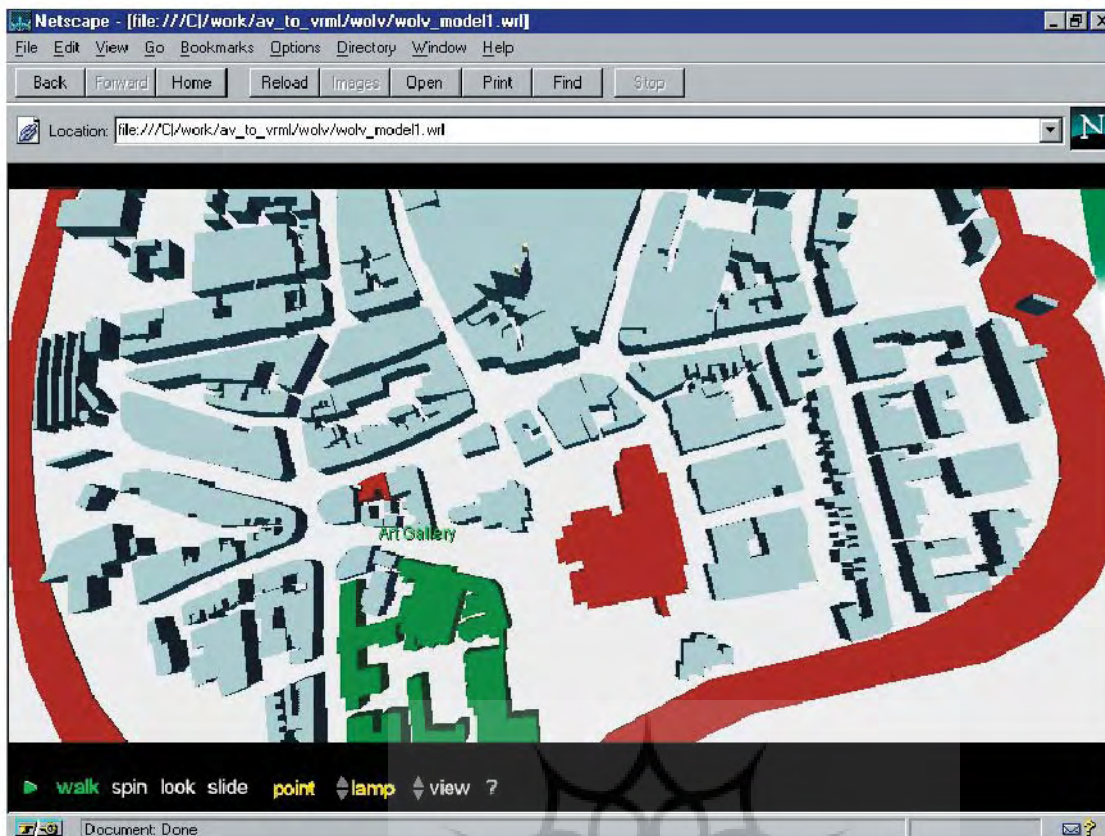


فضای سنتی با مکان انطباق داشته و با علایم و نشانه های مکان پر می شد. اعمال و کردارهایی هم که این را پر می کند جملگی مکان مند بودند. این فضا، فضایی محدود برای زندگی کردن در چارچوب آن بود نه برای حرکت کردن در گستره آن.

این پیوند تنگاتنگ فضا و زمان و مکان با مؤلفه های اجتماعی - فرهنگی زمینه ساز شکل گیری واحدهای سیاسی - اداری (مانند کشور، استان، شهرستان، شهر) و واحدهای اجتماعی منطبق بر آن (مانند ملت، منطقه، محله و ایل) بوده (همان منبع ص ۵۲)

فرایند جهانی شدن بواسطه پیشرفت شگفت آور فناوریهای ارتباطی (فشرده سازی زمان و مکان در فضای جریانها) روند گسست رشته های پیوند زنده فضای اجتماعی با فضای جغرافیایی را سبب شده و با خلق فضای مجازی نقش مکان و سرزمین را بعنوان عامل هویت بخش تضعیف کرده و می کند. عبارتی دیگر جهانی شدن زندگی اجتماعی را از حالت مکان مند به فضا مند تبدیل می کند. البته فضا امور را سیال و آزادتر می سازد ولی مکان فاصله و جدائی می آفریند ولی در عین حال فضا زمینه کنترل را کاهش داده و درجه منازعه پذیری را بالا می برد (قوام ، ۱۳۸۰).

فرایند جهانی شدن با نفوذ پذیر ساختن مرزها و رها کردن امر اجتماعی از بستر مکانی، کارائی دولتها را در عرصه هویت سازی بسیار کاهش می دهد و آنها دیگر نمی توانند در فضایی نسبتاً بسبب انحصاری و امن به ساخت و نگهداری هویت ملی بپردازند و مرزهای فیزیکی در برابر امواج الکترونیک و ارتباطات لحظه ای مانعی جدی محسوب نمی شود (صرافی ۱۳۷۸). لذا امروزه هر انسان در آن واحد می تواند خود را به واحدهای کوچک و بزرگ اجتماعی پرشماری متعلق بداند این افزایش منابع هویت در واقع به معنای تولید



نقش بارز و مهمی می‌تواند در القاء شناخت و درک صحیح از جهان و تحولات سریع آن ارائه کند.

۳- با توجه به تغییر و تحولات بیان شده هر کوششی که بتواند بستر تفاهم، شناخت و تعامل ملتها را - نه به اعتبار وابستگی به مکانی خاص بلکه به اعتبار زیست بر روی یک کره مشترک- بیشتر سازد کوششی مغتنم است بویژه اگر از مطالعات جغرافیایی آغاز شود، جغرافیا با برخورداری از نگرش سیستمی کمک می‌کند تا انسانها بر اساس یافته‌های بدست آمده، موقعیت خود را با سایر مردم جهان مقایسه کرده و درک عمیق تری از جهان پیدا کنند، آنگاه بر اساس این فهم، فرهنگ‌ها و سنتهای مختلف زندگی در موقعیتهای گوناگون جغرافیایی را بهتر شناخته و ساختارهای متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهان امروز را بهتر درک کرده و زمینه مشارکت بمنظور رفع دشواریهایی چون منازعات بین المللی، فقر، خطرات زیست محیطی، افزایش جمعیت و... فراهم گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- فرایند جهانی شدن بواسطه پیشرفت شگفت آور فناوریهای ارتباطی (فشرده سازی زمان و مکان در فضای جریانهها، روند گسست رشته های پیوند زنده فضای اجتماعی با فضای جغرافیایی را سبب شده و با خلق فضای مجازی نقش مکان و سرزمین را بعنوان عامل هویت بخش تضعیف کرده و می‌کند در چنین شرایطی خلق تفاهم و یکدستی در آینده جهان را بایستی در نگرشهای پویا، احساس تعاون، همدلی، تفاهم بین المللی در موضوعات مختلف (در مقیاس جهانی) جستجو کرد و گام اساسی در این راه شناخت عمیق تر فرهنگها، تمدنها و ایجاد مهارتهای لازم جهت شناخت وجوه اشتراک و افتراق میان آنهاست و مطالعات جغرافیایی بهترین بستر را برای این مهم فراهم می‌سازد.

۲- قبول این واقعیت که جغرافیا دانش تکوینی، ساختاری و کارکردی است ایجاب می‌کند که آموزش آن در شرایط کنونی بر تفسیر پدیده‌ها تکیه زند چرا که در عصر جهانی شدن تفسیر

فهرست منابع:

۱۳- فرهادپور صالح (۱۸۳۱) "چقدر آینده نگری"
روزنامه همشهری، ۲۰ مهر شماره ۲۸۶۶ ص
۱۹

14- R. Robertson. Globalization london:
sage 1992 P.100

15- M.Gastells , The Power of Identity.
Oxford . Blackwell 1997- pp.11-20

16- James Adams, virtual detenc, foreign
Attairs, May/ June 2001, Vol.80.No.3

17- Scholte Aart Jan (2000) : Globalization,
Acritical Introduction, St. Martin press,
INC, USA, P46

18- Ibid and R . Jenkins, Social Identity .
Lonson. 1996 P.20

19- Ronald Robertson and Farank lechner
"Modernization Globalization and The
Problem of culture in world – system
Theory, Theory culture and society, Vol.
2, No. 3, 1985: 103-117

۱- فصیحی حبیب اله (۱۱۳۸۱) "جهانی شدن و
شهرنشینی" دانشگاه اصفهان ص ۱

۲- قوام عبدالعلی (۱۸۳۱) "موقعیت دولت و شهروند
در عصر جهانی شدن" روزنامه اطلاعات ،
۸۲ خرداد ص ۲۱

۳- توحید فام محمد (۰۸۳۱) "طرح های تمدنی
و دولت ملی در عصر جهانی شدن" فصلنامه
مطالعات ملی ص ۴۹-۷۱

۴- سلیمی حسین (۰۸۳۱) "جهانی شدن: مصداق ها
و برداشت ها" فصلنامه مطالعات ملی ص ۹۱-
۷۱

۵- گل محمدی احمد (۰۸۳۱) "جهانی شدن و بحران
هویت" فصلنامه مطالعات ملی شماره ۱۰ سال
سوم ص ۴۸-۱۳

۶- قوام عبدالعلی (۰۸۳۱) "موقعیت دولت و شهروندان
در عصر جهانی شدن" فصلنامه سیاست خارجی
شماره ۲ سال پانزدهم ص ۶۸۱-۶۹۶

۷- مجتهدزاده پیروز ۱۳۷۸ "هویت ایرانی در آستانه
سده بیست و یکم" اطلاعات سیاسی- اقتصادی
شماره ۱۳-۱۲۹ ص ۱۲۴-۱۳۸

۸- صراف مظفر ۱۳۷۹ "شهری شدن جهان و جهانی
شدن شهرها" طرح مسائلی برای جنوب، اطلاعات
سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۵۶-۱۵۵ ص ۱۶۷-
۱۶۴

۹- مردانی گیوی اسماعیل (۹۷۳۱) "بازاندیشی در
مفهوم حاکمیت: تاثیر جهانی شدن بر حاکمیت
دولت، اطلاعات سیاسی- اقتصادی شماره ۱۵۶-
۱۵۵ ص ۱۴۰-۱۳۲

۱۰- مجتهدزاده پیروز (۹۷۳۱) "جغرافیا و سیاست در
دنیای واقعیت ها" اطلاعات سیاسی- اقتصادی
شماره ۱۲۰-۱۱۹ ص ۴۴-۳۴

۱۱- ژاک شبلینگ (۷۷۳۱) "جغرافیا چیست" ترجمه
دکتر سیروس سهامی، انتشارات محقق ص ۱۹۱-
۱۸۳

۱۲- سرکارآرانی محمدرضا (۱۸۳۱) "رویکرد فرهنگی
به درس جغرافیا در مدارس دوره ابتدائی"
اطلاعات سیاسی- اقتصادی ص ۱۶۲-۱۵۸